



واژگان مهم درس چوپان درستکار

روزگاری - گوسفندان - آدم درست کار - اما - چوپان - نگهداری

درست کار و راست گو - صاحب گوسفندان - نصیحت - مزدت را بگیر

گوسفندان را به چرا برد - قطره قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود

بچه‌ها - احوال پرسی - آرام رقصید - ناگهان



واژه سازی درس چوپان درستکار

کلمات متضاد: کلماتی هستند که از نظر معنایی مخالف (یا در مقابل) یکدیگر هستند.

مثال:

چوپان هر شب شیر می دوشید. ← چوپان هر روز شیر می دوشید.

علی به دبستان رفت. ← علی از دبستان آمد.

پرنده درخت بود ← پرنده پایین درخت بود.

تمرین:

عزیزم شما هم مانند نمونه های بالا، برای هر کلمه جمله ای بگو.

زیاد ← زهرا زیاد کار کرد. ← زهرا کم کار کرد.

راست گو ← محمد راست گو است ← محمد دروغ گو است.

بزرگ ← ایدان بزرگ است. ← ایدان کوچک است.

پیاموز و بگو:

بچه + ها ← بچه‌ها؛ بچه‌ها یعنی چند بچه

درخت + ها ← : یعنی

..... + ها ← : یعنی چند قطره.

..... + ها ← میوه‌ها : میوه‌ها یعنی

درست یا نادرست

۱- چوپان مرد درست کاری نبود. *

۲- چوپان گوسفندها را در صحرا رها کرد، او مرد خوبی نبود. *

۳- صاحب گوسفندان مرد درست کاری نبود. ✓

۴- صاحب گوسفندان با چوپان دعوا کرد، چون چوپان، گوسفندها را در صحرا رها کرده

بود. *